

ذم استعمال دخان

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (12) امر و خلق - جلد 3

۱۲ - ذم استعمال دخان

در اثری بعنوان خادم الله خطاباً للتأخر: هو الاقدس الاعظم الابهی الحمد لله المقدس عن الذکر و الثناء . . . فرمودند رفیق همراه شما به نصایح الهیه عمل نمودند چه که لازال از لسان این مظلوم شنیده بود که باید با جمیع ناس بکمال محبت و شفقت و بردباری معاشرت کند و تکلم نماید و بکمال حکمت ما بین ناس به تبلیغ امر الله متوجه باشد و او در مجالس و محافل بغیر ما اذن الله تکلم نموده و هم سبب اختلاف شده . . . بعضی عرائض بساحت اقدس فائز و مشتمل بر شکایت از جناب نبیل بوده بعضی از آن نفوس آنچه مذکور نموده اند مطابق واقع بوده لذا یومی از ایام جناب نبیل احضار شدند لسان قدم بالمواجهه به بیانات شافیه کافیه ناطق بعد ایشان مضطرب شدند و رفته عریضه بساحت اقدس ارسال نمود و در آن عریضه اظهار توبه و ندامت و عجز لایحیی نموده و فی الحقیقه مقصود ایشان در هر حالی نصرت امر بوده آنچه کرده اند و گفته اند همچو دانسته اند مصلحت امر در آن است و لکن این عبد فانی متحیر است که چگونه بعد از الواح منزله و احکام محکمه و اوامر مسطوره مثل ایشان به مقتضیات نفوس و مجالس و محافل عمل نمایند و از حکمت منزله در الواح غافل شوند و لکن عفاً الله عنه فضلاً من عنده انه هو العفو الغفور بسیار از امورات اگر چه در ظاهر نصرت امر از او مفهوم میشود و لکن چون مخالف امر الله است ثمری نداشته و نخواهد داشت مثلاً جناب آقا جمال علیه من کلّ بهاء ابهه بکمال استقامت در امر الله قیام نموده امری هم از ایشان ظاهر نشد که سبب تزییع امر الله باشد و لکن چون از حکمت منزله عمل ایشان خارج بود لذا قلم اعلی در تصدیق آنچه عمل نمود توقف فرمود . . . اینکه در باره جناب حاجی مذکور فرموده صحیح است فی الحقیقه جناب نبیل بغیر حکمت عمل نموده حکم قلیان در کتاب اقدس نازل نشده حق جلّ کبریاءه نظر بحکمت بالغه و حفظ در این فقره حکمی نفرموده اند تا دوستان حق مبتلا



ORIGINAL

نشوند این قدر از لسان مبارک استماع شد که اطفال را تربیت نمایند تا از اول معتاد بآن نشوند جز این کلمه مبارکه استماع نشده و الیوم جمیع مأمور به کتاب اقدس اند که بآن عامل شوند و آنهم نه اعمالی که الیوم سبب تفصیل و وضوء خلق شود در جمیع موارد باید بحکمت ناظر بود .

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : شرب دخان عند الحق مذموم و مکروه و در نهایت تکفایت و در غایت مضرت ولو تدریجاً و از این گذشته باعث خسارت اموال و تضييع اوقات و ابتلاي بعاتد مضره است لهذا نزد ثابتن بر میثاق عقلاً و نقلاً مذموم و ترک سبب راحت و آسایش عموم . . . البته احبای الهی بوصول این مقاله بهر وسیله باشد ولو بتدریج ترک این عادت مضره خواهند فرمود چنین امیدوارم .

و قوله العزیز : مدینه (مدینه الله بغداد) جناب آقا محمد حسین وکیل علیه بهاء الله . ای بنده الهی نامه که به جناب میرزا عبدالوهاب مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید سبب بهجت و سرور شد این را مرقوم نموده بودید که به وصول مکتوب دخان احباء فوراً ترک نمودند و دخان ملفوف را از دست انداختند فی الحقیقه ضرر و زیان این دود بی نفع و سود واضح و مشهود است اجسام را بکلی معلول نماید و اعصاب را رخاوت و سستی بخشد و دماغ یعنی مغز را از احساسات علویّه محروم نماید اوقاتی بشرش بیوده بگذرد و اموال بی جا صرف گردد نه تشنگی بنشانند و نه گرسنگی زائل کند شخص عاقل البته ترک این مضرّ هائل نماید و همواره به آنچه سبب صحت و سلامتی است پردازد .

و قوله اللطیف : مرا آرزو چنان است که کم از شرب دخان نیز احتراز نمایند تا چه رسد به افیون .

و در خطابی دیگر : طهران . جناب استاد علی نغار و جناب استاد عبدالله نغار و جناب آقا سید ابراهیم بنا علیهم بهاء الله الابهی . هو الله ای بندگان جمال ابهی جناب استاد علی منظومه مخمس مفصلی ارسال نموده داد سخن داده و بذکر محبوب آفاق پرداخته چون این ثنای حق است مقبول درگاه کبریا است و سزاوار تحسین فصحاء و بلغاء ذکر شما را نموده و از برای کل فوز و فلاح و فیض و نجاح خواسته عبدالبهاء از عدم فرصت بشما جمعاً نامه می نگارد و با نهایت شوق و وله بذکر شما می پردازد و از الطاف الهی بهره و نصیب خواهد یک معنی از معانی شجره ملعونه دخان است که مکروه است و مذموم و مضرّ است و مسموم تضييع مال است و جالب امراض و ملال و اما شراب به نص کتاب اقدس شرش ممنوع و شرش سبب امراض مزمنه و ضعف اعصاب و زوال عقل است .